

## واکاوی اصول سیره عملی علمای برجسته در فهم احادیث و میزان تأثیر آن بر تفسیرهایشان در حوزه دین

سیدحسین حسینی بجدنی \*

فرشته حسین آبادی \*\*

مرضیه کریمی طلب \*\*\*

تاریخ دریافت: ۹۶/۱۱/۰۱ - تاریخ تأیید: ۹۷/۰۳/۱۵

### چکیده

نقد و ارزیابی در حصول اطمینان از احادیث معصومان علیهم‌السلام شیوه و سیره علمای برجسته اسلام بوده است. در میان کتب و جوامع حدیثی، اخباری وجود دارد که به نظر می‌رسد محتوای آن‌ها با یکدیگر اختلاف دارند. علمای برجسته برای رفع اختلاف این دسته از احادیث و فهم آن، کوشش‌هایی داشته‌اند. سید مرتضی قائل به ترجیح وجوه عقلی در تبیین احادیث است و ایشان از عقل برای نقد درونی نقل یاری می‌جوید. همچنین او در مواضعی برای هر یک از این دو منبع معتبر شناختی، یعنی نقل و عقل، نقش استقلالی قائل است و در مواردی آن دو را مؤید یکدیگر می‌داند. شیخ حر عاملی قائل به ترجیح وجوه نقلی در تبیین احادیث است و هیچ‌گاه ضعف سند یا متن را معیار قضاوت خود قرار نداده و روایت را کنار نگذاشته است. شیخ بهایی با وضع قانون‌های خاص سعی در نظام بخشی به مقوله عقل و نقل نموده و در نقد حدیث، به‌خوبی از اقوال رسیده و آموزه‌های علوم رجال، درایه و فقه الحدیث در نقد اسنادی و متنی احادیث استفاده کرده است. بنابراین باید گفت معانی گوناگون از مرجعیت در تفسیر که سه واژه اجماع، عقل و متن برای دلالت بر آنها گزینش شده به ترتیب شیخ بهایی، سید مرتضی و شیخ حر عاملی را نماینده هر یک از آنها می‌توان در نظر گرفت که نشان دهنده نهایت بهره‌مندی از این ساختارهاست. این نوشتار با رویکردی تحلیلی-توصیفی، به واکاوی سیره عملی علمای برجسته در فهم احادیث و میزان تأثیر آن بر تفسیرهایشان در حوزه دین می‌پردازد.

**واژگان کلیدی:** روش فهم حدیث؛ درایه الحدیث؛ شیخ حرعاملی؛ سید مرتضی؛ شیخ بهایی

\* دانشجوی دکتری رشته علوم قرآن و حدیث، دانشگاه آزاد واحد علوم و تحقیقات تهران، تهران، ایران. «نویسنده مسئول»

Email: hosein.bojdani@yahoo.com

\*\* دانشجوی کارشناسی علوم قرآن و حدیث، دانشگاه علوم قرآنی سبزوار، خراسان رضوی، ایران.

Email: fereshtehha7676@gmail.com

\*\*\* دانشجوی کارشناسی علوم قرآن و حدیث، دانشگاه علوم قرآنی سبزوار، خراسان رضوی، ایران.

Email: mkt.karimi@gmail.com



## مقدمه

در تعالیم اسلام، حجیت احادیث پیامبر اکرم صلوات الله علیه و آله در عرض آیات قرآن کریم می‌باشد. قرآن کریم فرمایش‌ها و سخنان پیامبر اکرم صلوات الله علیه و آله را مبین خود دانسته و به این نکته اشاره دارد که اهل بیت علیهم‌السلام معصوم و صاحبان دانش قرآن و وارثان دانش نبوی هستند و سخنان آنان همانند کلام رسول خدا صلوات الله علیه و آله است. احادیث پیامبر و ائمه علیهم‌السلام گاهی با اسناد متعدد و به صورت متواتر، گاهی به شکل خبر واحد و در برخی کتب بدون سند نقل شده است. اشخاصی با قرارگرفتن در جایگاه آن بزرگواران، افکار و سخنان خویش را ترویج کرده و با نسبت دادن سخنانی دروغ و ساختگی افکار خود به رسول الله که بعضاً آنها متعارض و خلاف تعالیم حقیقی است در پی تحریف و یا سودجویی از مکتب اهل بیت بوده‌اند. بنابراین قبل از هر چیز، خداوند در قرآن کریم، مؤمنان را به ارزیابی اخبار و تشخیص غث و ثمین مرویات تشویق کرده، و خطرهای ناگوار تسامح و تساهل در این مسئله را هشدار داده است (حجرات/۶؛ زمر/۱۸) و پس از قرآن کریم، سنت و حدیث معصومان بیشترین تأکید بر چگونگی اخذ اخبار، و حفظ و نقل آنها به دیگران را در بر دارد. به همین سبب، دانشی با هدف مصدرشناسی حدیث و بررسی انتساب آن به معصومان و صحت عمل به مفاد آن ایجاد گردید. لذا در این پژوهش دیدگاه چند تن از علمای برجسته را به عنوان پرچمداران این فن مورد بررسی قرار می‌دهیم تا میزان توجه آنها را به مباحث مصدرشناسی تبیین نماییم و ضمن آنکه از شیوه آنها در حل احادیث اختلافی بهره می‌گیریم میزان و تأثیر این اختلاف نظریات را نسبت به مبانی دینی بررسی می‌کنیم.

## پیشینه تحقیق

در مورد موضوع واکاوی اصول سیره عملی علمای برجسته در فهم احادیث و میزان تأثیر آن بر مبانی دینی باید گفت با وجود اهمیت فراوان آن در روزگار ما به دلیل جوانب کاربردی و امواج عظیم اختلاف برداشتها در هیچ کتاب و مجله‌ای به صورت مستقیم بدان اشاره نشده و ملاک بیشتر مکتوبات موضوعات علم الحدیث، اصول درایه، شناخت رجالی، مذهبی و... بوده به گونه‌ای که جدیدترین و نوآورترین آنها نسبت به پژوهش حاضر مقاله‌ای از آقای عظیم رضوی صوفیانی می‌باشد که به مبحث «علل گرایش شیخ مفید و سید مرتضی به عقلگرایی اعتزالی در قرن چهارم» می‌پردازد که در آن، موارد و علت عقل‌گرایی شیخ مفید و سید مرتضی تبیین شده است. لذا نگاشته حاضر در واکاوی اصول سیره عملی علمای برجسته در فهم احادیث و میزان تأثیر آن بر مبانی دینی، نوآور و بدیع است. اما برخی از کتب و مقالات مرتبط:

واکاوای اصول سیره عملی علمای برجسته در فهم احادیث.../ حسینی، حسین‌آبادی و کریمی‌طلب ۱۰۱

۱- آرمین، محسن. «سید مرتضی و استفاده از علوم زمانه در تفسیر قرآن». تهران: اسلام پژوهی. شماره ۴۴. ۱۳۸۹.

۲- جباری، محمد رضا. «شناخت و تحلیل مکتب حدیثی قم از آغاز تا اول قرن پنجم هجری». تهران: مطالعات اسلامی. شماره ۴۹ و ۵۰. ۱۳۷۹.

۳- خدایاری، علینقی. «روش‌شناسی نقد و فهم حدیث در مکتب متکلمان امامی بغداد» [رساله دکتری]. تهران: دانشگاه امام صادق. ۱۳۸۹.

۴- رضوی صوفیانی، عظیم. «علل گرایش شیخ مفید و سید مرتضی به عقلگرایی اعتزالی در قرن چهارم» پژوهشنامه تاریخ تمدن اسلامی، سال ۴۴، شماره ۱. ۱۳۹۰.

۵- سلیمانی، داود. «روش نقد و فهم سنت». تهران: فرهنگ و دانش. ۱۳۸۵.

۶- طبیبی، علیرضا. «مبانی فهم و نقد حدیث از دیدگاه علامه شعرانی (ره)». پایان نامه، تهران: دانشگاه تهران. ۱۳۸۷.

۷- فتاحی زاده، فتحیه. «مبانی و راهکارهای نقد حدیث در کتب اربعه». قم: دانشگاه قم. ۱۳۸۵.

### ۱- اطمینان از صدور احادیث در انتساب به معصومین علیهم‌السلام

با کاوش در روش اصحاب برای دریافت معارف، در انتقال میراث حدیثی ائمه علیهم‌السلام و اطمینان از صدور احادیث در انتساب به آنان مشخص می‌شود روش‌های اصلی اخذ معارف در دوران حضور ائمه علیهم‌السلام بر سه محور استوار است:

#### ۱-۱- دریافت تعالیم اسلامی از معصوم علیه‌السلام

در برخی گزارش‌ها این نکته به چشم می‌آید که اصحاب از راه دور برای دریافت معارف رنج سفر را به جان می‌خریدند و گاه به این منظور سالیانی در مدینه می‌ماندند و کثرت مراجعات اصحاب و حساسیت آنان در دستیابی به اطمینان از صدور حدیث تحسین آور است.<sup>۱</sup>

#### ۱-۲- دریافت تعالیم اسلامی از اصحاب خاص ائمه علیهم‌السلام

مردم به دریافت آموزه‌ها از همه راویان اقدام نمی‌کردند و تنها با چاره جویی از امام علیه‌السلام به افراد مورد وثوق که در حقیقت پلی ارتباطی بین امام علیه‌السلام و دیگران بودند رجوع می‌کردند.

۱. نک: طوسی، ۱۴۰۴: ۱۳۵.

به عنوان نمونه هنگامی که امام رضا علیه السلام در خراسان بودند هسته مرکزی سازمان معتمد امام رضا علیه السلام در کوفه را احمد بن محمد بن ابی نصر بزنتی، صفوان بن یحیی، حسن بن علی بن وشاء، محمد بن سنان، عبدالله بن جندب، محمد بن اسماعیل بزیع، ایوب بن نوح و جعفر بن بشیر از برجسته ترین شخصیت های موثق کوفه تشکیل می دهند.<sup>۱</sup>

### ۱-۳- عرضه روایات بر ائمه علیهم السلام

عرضه آموزه های حدیثی جابر بن یزید بر امام علیه السلام بر این مساله حکایت دارد. هنگامی که زیاد بن ابی حلال مطالبی از جابر بن یزید می شنود و در پذیرش آن شک می کند، نزد امام صادق علیه السلام می رود و پیش از آنکه او سخن گوید، حضرت می فرماید: «خداوند جابر را رحمت کند، همانا او از جانب ما سخن حق می گوید، و خداوند مغیره را از رحمت خویش دور سازد، همانا او بر ما دروغ می بندد» (مجلسی، ۱۳۹۶: ۲۳۴) دیگر آنکه یکی از اصحاب، حدیثی را از امام نقل می کرد که پذیرش آن برای اصحاب دیگر سخت بود، آن حدیث را بر امام علیه السلام عرضه می کردند تا از صحت و سقم حدیث مطمئن شوند.<sup>۲</sup>

### ۱-۴- مهم ترین روش های حفظ و حراست از تعالیم معصومان علیهم السلام

#### ۱-۴-۱- نقل شفاهی

فرهنگ نقل و کتابت حدیث توسط پیامبر در جامعه اسلامی پایه ریزی شد اما در دوره خلفا با منع کتابت و نقل رو به سوی نابودی رفت.<sup>۳</sup> در دوره امامت امام باقر علیه السلام با تزلزل حکومت اموی و احساس نیاز شیعه به دریافت معارف اصیل، زمینه بازسازی آن فرهنگ به وجود آمد. در این دوره امام علیه السلام اصحاب خود را به نقل حدیث توصیه می کرد. ارزش دادن به راویان پر روایت،<sup>۴</sup> توصیه به دیدار یکدیگر و نقل آموزه های حدیثی در جلسات دیدار،<sup>۵</sup> برتری راوی حدیث بر هزار عابد<sup>۶</sup> از نمونه های این فرهنگ سازی به شمار می رود.

۱. نک: حسینی بجدنی، ۱۳۹۴: ۲۷.

۲. نک: صفار، ۱۴۰۴: ۲۳۸.

۳. نک: عسکری، ۱۳۶۸/ ۹: ۴۱ و ۵۶.

۴. نک: مجلسی، ۲/۱۴۰۴: ۱۴۴.

۵. نک: کافی، ۱/۱۴۰۷: ۳۹ و ۴۰.

۶. نک: کافی، ۱/۱۴۰۷: ۳۴.

#### ۱-۴-۲- نقل مکتوب

با رونق گرفتن مباحث علمی و نقل شفاهی حدیث، ائمه علیهم‌السلام اصحاب خویش را به نوشتن روایات توصیه کردند.<sup>۱</sup> در نیمه دوم قرن دوم هجری-دوره چرخه اصلی انتقال معارف به وسیله منابع مکتوب<sup>۲</sup> - اصحاب برای ایجاد اطمینان احادیث در پی جمع آوری قرائن اطمینان‌آور نسبت به صدور حدیث از امام معصوم علیه‌السلام بودند.

#### ۲- سیره عملی علمای برجسته (شیخ حرعاملی، سید مرتضی، شیخ بهایی) در کسب و فهم احادیث

باید گفت حصول اطمینان نسبت به انتساب آموزه‌ها به امام معصوم علیه‌السلام، پشتوانه اصلی نگارش‌های حدیثی اصحاب بود و هر آنچه را اصحاب نسبت به صدور آن اطمینان حاصل می‌کردند می‌پذیرفتند و در صورت عدم اعتماد، بر امام علیه‌السلام یا بر خبرگان حدیث عرضه کرده و در نهایت آن را پذیرفته یا طرد می‌کردند. در نظر بیشتر متفکران امامیه، عقل و نقل دو منبع دریافت معارف و پی بردن به حقایق دینی و احکام شرعی‌اند در این راستا عقل، اعتباری همچون نقل و گاه مقدم بر آن دارد تا آنجا که برخی از عالمان بزرگ شیعه، عقل را «حجة الحجج» نامیده‌اند.<sup>۳</sup> این عالمان، نیازمندی مسلمانان به عقل در پذیرش اصول عقاید و همچنین در شناسایی احکام را مورد تأکید قرار داده‌اند.<sup>۴</sup> عالمان در بررسی منابع معتبر فقه، از دلیل عقلی به عنوان یکی از مدارک اصلی استنباط احکام نام برده‌اند. بنابراین یافتن رابطه دقیق عقل و نقل و بررسی سیره عملی علمای برجسته در کسب و فهم احادیث در این موضوع از دغدغه‌های مهمی است که متفکران با آن مواجه بوده‌اند؛ زیرا به سبب آن برداشتهای دینی از یکدیگر متمایز شده است که به نمونه‌هایی از این برداشتها پرداخته می‌شود.

#### ۲-۱- سید مرتضی

سید مرتضی عالم بنام امامیه در قرن‌های چهارم و پنجم و صاحب نظر در حوزه‌های مختلف علوم اسلامی از قبیل فقه، اصول، کلام، حدیث و تفسیر قرآن، قائل به ترجیح وجوه عقلی در نقد و تبیین احادیث است.

۱. نک: مجلسی، ۱/۱۴۰۴: ۵۱.

۲. نک: طوسی، ۲/۱۴۰۴: ۷۹۵.

۳. نک: پهلوان، ۱۳۸۷: ۷۸.

۴. نک: مظفر، ۲/۱۴۱۰: ۱۱۶.

## ۲-۱-۱- بررسی عقل و نقل از نظر سید مرتضی

### ۲-۱-۱-۱- نقل و اعتبار آن

مقصود از نقل، همان گزارش‌های روایی است که حدیث، خیر و سنت نیز گفته می‌شود. سید مرتضی در آثار خود علاوه بر تعابیر یاد شده، در موارد متعددی هم از «سمع» به جای نقل یاد کرده است. ظاهراً در نظر وی سمع اعم از قرآن و روایات است و از این رو از دلایل سمعی قطعی یا «سمع مقطوع علی صحت» در کنار عقل و اجماع، به عنوان یکی از مقولات شریعت و احکام آن سخن به میان آورده و آن‌ها را منابع علم آور و ملاک عمل معرفی می‌کند. از دیدگاه وی قرآن کریم دلیل سمعی قطعی و غیر قابل خدشه است و پس از آن روایات قطعی ملاک عمل است. با این حال به باور وی اعتبار و حجیت این دسته از روایات نیز تنها در حوزه فروع قابل پذیرش است زیرا در اصول عقاید و کسب معارف اولیه باید محققانه عمل کرده و تمامی آن را از روی عقل و تحقیق و نه نقل و تقلید پذیرفت. به همین دلیل روش سید مرتضی در مواجهه با احادیث، متفاوت از روش عالمان امامی صرفاً محدث است به طوری که می‌توان رویکرد حدیثی او را «متکلمان» و نه «محدثانه» نامید.<sup>۱</sup> وی همانند برخی از اهل حدیث عامه و اخباریان خاصه، به حجیت و اعتبار تمامی منقولات کتب حدیث معتقد نبوده است و اقرار به مضمون تمامی روایات موجود در کتاب‌های روایی را واجب نمی‌داند زیرا ممکن است احادیثی که در این کتب-اعم از عامه و خاصه-روایت شده است، دارای انواعی از خطا و اشتباه باشد که دلایل قطعی بر بطلان آن دلالت می‌کند؛ مانند برخی روایات که متضمن قول به تشبیه و جبر و رؤیت خداوند و قدیم بودن صفات اوست.<sup>۲</sup> از این رو از دیدگاه سید مرتضی، تنها نقل معتبر غیر از قرآن کریم، روایاتی است که ادله قطعی<sup>۳</sup> بر صحت آن گواهی داده و در نتیجه می‌توان آن‌ها را علم آور و ملاک عمل دانست. از دیدگاه سید مرتضی گزارش‌های روایی موجود در منابع روایی دو دسته بیش نیست؛ یا قطعی و علم آور و ملاک عمل در فروع و احکام شرع است و یا ظنی و غیر علم آور است که در نتیجه نمی‌تواند قابل استناد و مبنای اعمال بندگان باشد. بنابراین می‌توان گفت اخبار متواتر و نیز اخبار غیر متواتر همواره با قرینه<sup>۴</sup> که از دیدگاه سید مرتضی اخباری علم آور هستند، مبنای صدور فتواها و نیز دیگر آراء وی است و او بر همین اساس با مخالفان احتجاج می‌کرده است.

۱. نک: خدایاری، ۱۳۸۹: ۱۴.

۲. نک: سید مرتضی، ۱/۱۴۰۵: ۴۰۹؛ پهلوان، ۱۳۹۰: ۳۰.

۳. برخی از مهم‌ترین این دلایل عبارت‌انداز: عقل، قرآن کریم، سنت متواتر قطعی، اجماع امامیه که سید مرتضی تمامی آن‌ها را حجت می‌داند.

۴. در اینجا مقصود قرائنی است که نشانه‌ای بر قطعی بودن و صحت روایت باشد نه قرائن دال بر ظن به صدور آن.

## ۲-۱-۲- عقل و اعتبار آن

عقل در نظر سید مرتضی عبارت است از اصول و برهان‌های قاطعی که در آن احتمال و مجاز راه نداشته باشد و چنین عقلی اساس و بنیاد معرفت انسانی است و براهین و ادله دیگر باید بدان ارجاع داده شوند<sup>۱</sup> همچنین ارائه تقسیم‌های منطقی از مفاهیم مختلف و بیان عقلی فروعات آن تقسیم، نشان از جایگاه والای عقل نزد سید مرتضی دارد. به عنوان مثال وی در بحث از استحقاقی بودن ثواب، ابتدا با ذکر عبارت «والاستحقاق فی العقل له وجهان: احدهما فی العین و الآخر فی الذمه...» (سید مرتضی، ۱۳۶۳/۲: ۸۲۶) وجوه عقلی آن را بر می‌شمارد. همچنین کاربرد عبارت‌هایی از قبیل: «إنه جائز من جهة العقل» (سید مرتضی، ۱۳۶۳/۲: ۵۲۸) و یا «جازت العبادة عقلاً...» (سید مرتضی، ۱۳۶۳/۲: ۵۲۸)، همگی بر اهمیت عقل نزد سید مرتضی و استناد فراوان او به آن دلالت دارد. از سوی دیگر عقل در نظر سید مرتضی تا بدان حد از اهمیت است که وی کسانی را که به شکل تقلیدی معتقد به حق شده و مبنای اعتقادی خویش را بدون تدبر و تأمل پذیرفته‌اند، کافر و فاسق می‌داند<sup>۲</sup> به باور سید مرتضی خداوند هیچگاه مکلفین را رها نکرده و همواره راهی برای شناخت احکام شرعی برای ایشان قرار داده است و از این رو در فرض نبود دلایل سمعی و اجماع امامیه نسبت به مسأله ای از احکام شرعی، دلایل و احکام عقلی تنها حجت مکلفین در آن مسأله است.<sup>۳</sup> از این رو به اعتقاد وی چنانچه کسی در جایی باشد که دین خدا از طریق پیامبران به او نرسد و اطلاعی از آن نداشته باشد، حجت وی در انجام تکالیف الهی عقل اوست و باید به حکم عقل خویش عمل کند.<sup>۴</sup>

## ۲-۱-۲- اصول عقلی از دیدگاه سید مرتضی (ره)

سید مرتضی در مواضعی از آثار خود پس از آنکه از لزوم تأویل روایات ناسازگار با مبانی عقلی سخن می‌گوید به برخی از اصول عقلی مورد قبول خویش اشاره می‌کند که برخی از مهم‌ترین آن‌ها عبارت‌اند از: اصل حسن و قبح، اصل اختیار و نفی جبر، واصل مباح بودن هر منفعت بی ضرر.

۱. نک: سید مرتضی، ۱/۱۴۰۵: ۳۰۹ و ۳۳۴، به عقیده برخی همین عقل‌گرایی سید مرتضی موجب التزام وی به قوانین قطعی طبیعت در تفسیر و تأویل آیات و روایات است. (ر. ک: آرمین، محسن (۱۳۸۹)، «سید مرتضی و استفاده از علوم زمانه در تفسیر قرآن». اسلام‌پژوهی، تهران، شماره چهارم، ۲۷-۴۴).

۲. نک: سید مرتضی، ۱/۱۳۶۳: ۳۱۶-۳۱۷.

۳. نک: سید مرتضی، ۱/۱۳۶۳: ۲۱۱.

۴. نک: سید مرتضی، ۱/۱۳۶۳: ۳۴.

## ۲-۱-۲- اصل حسن و قبح

مطابق این اصل، آنچه نزد عقل حسن است، خداوند نیز آن را تأیید کرده و حسن می‌داند و هرگز کاری را که متصف به صفت ظلم است و عقل آن را قبیح می‌داند، انجام نمی‌دهد. بر این اساس، سید مرتضی دیدگاه کسانی را که معتقدند هر آنچه خداوند انجام دهد حسن است حتی اگر ظلم و یا کار قبیحی باشد، باطل<sup>۱</sup> و از این رو در صحت برخی از اخبار مربوط به تفسیر و تأویل «آیه میثاق» (اعراف/۱۷۲) تردید جدی روا داشته است و آن‌ها را باطل و ساختگی و یا بر فرض صحت، نیازمند توجیه و تأویل می‌داند<sup>۲</sup> زیرا معتقد است خداوند تنها افراد بالغ کامل العقل را مخاطب قرارداده و آن‌ها را مکلف به انجام وظایف شرعی می‌کند.<sup>۳</sup> همچنین وی معتقد است فرمان به کسب معرفت نسبت به چیزی که امکان شناخت آن وجود ندارد مصداقی از «تکلیف بما لا یطاق» و امری قبیح است که خداوند هرگز بدان فرمان نمی‌دهد.<sup>۴</sup>

## ۲-۲-۱- اصل اختیار و نفی جبر

سید مرتضی از آن رو که عالمی عقل گراست، مجبور بودن بندگان در افعال خویش و انتساب کارهای ناشایست آنان به خداوند را به شدت نفی کرده و قائل به وجود اختیار برای بندگان در عین قول به عدم تفویض است. وی در این خصوص به روایتی از امام صادق علیه‌السلام اشاره می‌کند که حضرت می‌فرمایند: «لَا جِبْرَ وَلَا تَفْوِیضَ، وَلَکِنْ أَمْرٌ بَيْنَ أَمْرَيْنِ» (کلینی، ۱/۱۴۰۷: ۱۶۰) و تأکید دارد که این معنا متفاوت از باور معتزله به «منزلة بین المنزلتین» است. (سید مرتضی، ۱/۱۴۰۵: ۱۳۸) سید مرتضی در آثار خویش با فرض گرفتن اصل اختیار، آیات و روایاتی را که به ظاهر با این اصل ناسازگار است تأویل می‌کند که از آن جمله می‌توان به تأویل روایتی اشاره کرد که مضمون آن به لحاظ عبارت «أَفْعَالُ الْعِبَادِ مَخْلُوقَةٌ» (صدوق، ۲۱۶/۱۳۹۸: ۴۱۶) موهم خلق افعال بندگان توسط خداوند است؛ اما وی در تبیین آن، ضمن استناد به ادامه روایت که این خلق را خلق تقدیر دانسته است نه خلق تکوین، چنین توضیح می‌دهد که مقصود از تقدیر آن است که خداوند مبین این افعال است و خوب و بد آن را از هم جدا و خیر و شر آن را از هم متمایز می‌کند و از این رو می‌توان گفت که مقدر آن‌هاست و اگر مقدر آن‌ها باشد، جایز است که گفته شود خالق آن‌هاست

۱. نک: سید مرتضی، ۱/۱۳۶۳: ۱۴۱.

۲. نک: سید مرتضی، ۱/۱۳۶۳: ۲۸.

۳. نک: سید مرتضی، ۱/۱۳۶۳: ۱۲۴.

۴. نک: سید مرتضی، ۱/۱۳۶۳: ۳۱۱.

همانگونه که در لغت عرب به «مقدر الأدم» خالق ادم گفته می‌شود.<sup>۱</sup>

#### ۲-۱-۲- اصل مباح بودن هر منفعت بی ضرر

سید مرتضی بر این اساس معتقد است هر نوع منفعتی که ضرری به حال انسان نداشته باشد - اعم از ضرر کوتاه مدت یا بلند مدت- و مفسده‌اش ثابت نشده باشد به حکم عقل مباح است و از این رو در چیزهای قابل انتفاع و خالی از ضرر با قطع نظر از ادله شرعی، حکم به «إباحة الاباحه» کرده و ادعای علم ضروری بر آن دارد.<sup>۲</sup> به عنوان نمونه سید مرتضی از این اصل در اثبات طهارت و اباحه بول حیوانات حلال گوشت استفاده کرده و معتقد است به حکم عقل، در آنچه گوشتش خورده می‌شود یا شیرش نوشیده می‌شود اصل بر اباحه است و کسانی که قائل به حرمت در این باب هستند باید دلیلی قانع کننده و قاطع اقامه کنند.<sup>۳</sup> نمونه دیگری از کاربرد این اصل، فتوای سید مرتضی به اباحه نکاح متعه است که به اعتقاد وی از زمان پیامبر صلوات الله علیه و آله حلال بوده و هرگز اباحه آن به تحریم مبدل نشده است.<sup>۴</sup>

#### ۲-۲- شیخ بهایی

شیخ بهایی (م ۱۰۳۱ ق) به عنوان اندیشمندی که علاوه بر علوم عقلی، در علوم نقلی نیز تبحر داشته است، در حوزه‌های نقد و فهم حدیث کوشش بسیار کرده و در آثار متعدد، به نقد سندی و متنی، و شرح احادیث پرداخته است. وی در حوزه فهم حدیث، از علوم چون لغت، نحو، فقه، کلام، تفسیر، اصول فقه، عرفان و اخلاق بهره برده و احادیث را بر اساس اصولی خاص شرح داده است.

#### ۲-۲-۱- اصول مورد استفاده در فهم متن

بهره‌گیری از اصول و ضوابطی که حدیث پژوه را به فهم مراد معصوم علیه‌السلام از متن حدیث رهنمون می‌شود، روش‌شناسی شیخ بهایی را در فهم متن حدیث تشکیل می‌دهد.

#### ۲-۲-۱- التزام به ظاهر متن

یکی از اصول و قواعد مسلم در فهم حدیث، التزام به ظاهر متن است. سیره و بنای عقلا، این اصل را تأیید می‌کند و عدول از آن، بدون قرینه‌ای که متن را از ظاهر خود منصرف کند، جایز نیست. شیخ

۱. نک: سید مرتضی، ۱/۱۴۰۵: ۱۳۶ و ۱۳۸.

۲. نک: سید مرتضی، ۲/۱۳۶۳: ۸۰۹-۸۱۲.

۳. نک: سید مرتضی، ۱۴۱۵: ۴۲۴.

۴. نک: سید مرتضی، ۱۳۸۳: ۲۸.

بهایبی به این اصل، ملتزم بوده و از برداشتهای خلاف ظاهر از متون احادیث انتقاد کرده است.<sup>۱</sup>

#### ۲-۱-۲-۲- فهم عرفی

خروج از معیارهایی که بر عرف زمان معصومان علیهم السلام حاکم بوده است، در فهم احادیث ایشان، موجب برداشت نادرست از احادیث می‌شود. شیخ بهایی با توجه به این اصل، احادیث را شرح داده و التزام به مفهوم عرفی حدیث را ضروری شمرده است؛ مثلاً درباره روایتی که امام صادق علیه السلام می‌فرماید: «من پس از معرفت خدا، برتر از نماز، عملی را نمی‌شناسم»، شیخ گفته است: به لحاظ منطوق کلام، این حدیث دلالتی بر برتری نماز نسبت به سایر عبادات ندارد؛ لکن از مفهوم آن، به حسب عرف، چنین برداشتی را می‌توان از حدیث داشت؛ چنانکه وقتی گفته می‌شود در میان اهل این شهر، کسی برتر از زید نیست، اگرچه منطوقش نفی برتری غیر زید بر زید است که مانع از وجود افرادی مساوی با وی در فضیلت نیست؛ لکن مفهوم عرفی این عبارت، اثبات برتری زید بر سایر افراد شهر است.<sup>۲</sup>

#### ۲-۱-۳- توجه به سیاق

از نظر محمد باقر صدر، سیاق عبارت است از «همه قراین لفظیه، مانند واژگانی که با عبارت مورد بحث، یک کلام به هم مرتبط را می‌سازند و یا حالیه، چون شرایط و فضای حاکم بر کلام که دارای دلالتی در موضوع می‌باشند» (صدر، ۱۹۷۸: ۱۳۰) فهم حدیث نیز از این قاعده کلی مستثنی نیست و توجه به سیاق، از اصول و قواعد مهم در فقه الحدیث به شمار می‌آید. شیخ بهایی از این قاعده، در فهم و شرح احادیث بهره برده است؛ مثلاً درباره حدیثی از امام صادق علیه السلام درباره ترتیب افعال وضو نوشته است: «برداشتی که از ظاهر سیاق آن می‌شود، آن است که مراد آن حضرت از اتباع، لزوم رعایت ترتیب بین اجزای وضو است؛ نه متابعت و توالی بین اجزاء» (شیخ بهایی، بی تا: ۲۳).

#### ۲-۱-۴- فهم مشهور

توجه به آرای شارحان و حمل حدیث بر برداشت مشهور از آن، موجب پرهیز از برداشت‌های شاذ از حدیث می‌شود. شیخ بهایی همواره کوشیده است از حمل حدیث بر معنای شاذ و استنباط احکام خلاف فتوای مشهور فقیهان امامیه پرهیز کند و در آثار او، عبارت‌هایی دیده می‌شود که این ادعا را تأیید می‌کند؛ مانند: «یمكن حملها علی الاستحباب عملاً بالمشهور» (شیخ بهایی، بی تا: ۱۶)

۱. نک: شیخ بهایی، بی تا: ۸۸، ۹۲، ۱۰۴.

۲. نک: شیخ بهایی، ۱۴۱۴: ۱۴۱.

#### ۲-۱-۵- بهره‌گیری از آیات مرتبط

شیخ بهایی در بسیاری از موارد، برای فهم احادیث، از آیات مرتبط با آن‌ها بهره گرفته است. وی در شرح دعای امام سجاد علیه‌السلام در صحیفه سجادیه - که ماه را به سرعت حرکت، وصف کرده- نوشته است: بعید نیست که توصیف ماه به سرعت در کلام امام سجاد علیه‌السلام، به اعتبار حرکت محسوس در آن باشد؛ چرا که این حرکت در ماه ذاتی است؛ بنابراین مینا که حرکت برخی سیارات در افلاک آن‌ها از قبیل حرکت ماهی‌ها در آب است که برخی بر این باورند، و ظاهر آیه شریفه ذیل درباره حرکت خورشید و ماه نیز این ادعا را تأیید می‌نماید: **وَ كُلُّ فِي فَلَكٍ يَسْبُحُونَ**: «و هر کدام در مسیر خود شناورند» (یس/۴۰)

#### ۲-۱-۶- بهره‌گیری از روایت‌های مشابه

از آنجا که همه معصومان علیهم‌السلام نوری واحد هستند که از وحی نشأت می‌گیرد و در احادیثشان، تعارض واقعی وجود ندارد، در صورت دشوار بودن فهم یک حدیث، می‌توان به حدیث مشابه آن رجوع کرد. مثلاً در حدیثی از امام رضا علیه‌السلام نقل شده که حضرت می‌فرمایند: «ما موافق قرآن و سنت سخن می‌گوییم؛ ما از جانب خدا و رسولش نقل می‌کنیم و نمی‌گوییم فلانی و فلانی چنین و چنان‌اند و چنان می‌گویند، تا در نتیجه، در سخن ما تناقض پدید آید. به راستی سخن آخرین فرد از ما اهل بیت علیهم‌السلام، مانند سخن نخستین فرد از ما، تصدیق‌کننده سخن آخرین فرد از ماست.» (طوسی، ۱۴۰۴: ۴۹۰)

بر این اساس شیخ بهایی در شرح احادیث از منابع روایی فرقی، بدین شرح بهره برده است.

#### الف) روایت‌های امامیه

شیخ بهایی در مواردی فراوان، در شرح احادیث، از احادیث مشابه استفاده کرده است؛ مثلاً روایتی را از کلینی نقل کرده که علی بن یقظین درباره جواز قرائت قرآن در حمام از امام رضا علیه‌السلام سؤال کرد و حضرت در پاسخ فرمودند: «بلا اشکال است.» (کلینی، ۱۴۰۷/۶: ۵۰۲) شیخ در شرح این حدیث نوشته است: در برخی از روایات معتبر، روا بودن چنین عملی مقید گردیده است که قرائت‌کننده در صدد امتحان کیفیت صوت خود نباشد؛ بلکه فقط برای تقرب به خداوند، قرآن بخواند و نیز در برخی دیگر، مقید شده است به اینکه لنگ بر تن داشته باشد و از قرائت قرآن در حال عریان نهی شده است.<sup>۱</sup>

۱. نک: شیخ بهایی، ۱۴۱۴: ۴۶۹.

#### ب) روایت‌های اهل سنت

نظیر بسیاری از روایت‌های امامان معصوم علیهم‌السلام را عامه از پیامبر اکرم صلوات الله علیه و آله نقل کرده‌اند. گاه برای فهم بهتر حدیث ائمه هدی علیهم‌السلام، لازم است به احادیث مشابه آن‌ها که عامه نقل کرده‌اند، مراجعه شود. شیخ بهایی گاه از چنین اصلی، در فهم بهتر احادیث اهل بیت علیهم‌السلام سود جسته است. وی روایتی را از امام صادق علیه‌السلام در تفسیر آیه شریفه «إِنَّ قُرْآنَ الْفَجْرِ كَانَ مَشْهُودًا» «چرا که قرآن فجر، مشهود (فرشتگان شب و روز) است» (اسراء/۷۸) نقل کرده است که فرموده‌اند: مراد از «قرآن الفجر»، نماز صبح است که هم ملائکه شب و هم ملائکه روز، شاهد آن هستند. هنگامی که بنده نماز صبح را می‌خواند، دو بار در نامه عمل او نوشته می‌شود. ملائکه شب و روز هر دو، این نماز را در نامه عملش می‌نویسند. وی در تأیید و تبیین بهتر این حدیث، از حدیثی عامی بدین شرح بهره گرفته است: «ان صلاة الصبح كان مشهودة محصورة» (شیخ بهایی، بی تا، (مفتاح الفلاح): ۴). عبارت‌های ذیل، مؤید کاربرد این اصل در آثار شیخ بهایی است: «و قد روی العامة» (شیخ بهایی، بی تا (حبل المتین): ۶۷)؛ «یؤیده ما رواه العامة» (شیخ بهایی، بی تا (حبل المتین): ۸۵)؛ «و رواه العامة ایضاً فی صحاحهم» (شیخ بهایی، بی تا (حبل المتین): ۱۰۶).

#### ۲-۱-۲-۷- توجه به آرای شارحان

فهم محدثان پیشین، به ویژه کسانی که به عصر معصومان علیهم‌السلام نزدیک‌ترند، در فهم احادیث، مؤثر است؛ زیرا ایشان به دلیل آگاهی از قرآینی که متن حدیث را فرا گرفته است، در فهم مراد معصومان علیهم‌السلام توانایی بیشتری دارند. شیخ بهایی به صورتی شایسته، در فهم احادیث، از این اصل بهره برده و در بیشتر مواردی که شارحان بزرگ پیش از او، درباره شرح حدیث اظهار نظر کرده‌اند، از تحقیقات ایشان استفاده کرده است. از جمله این افراد می‌توان شیخ صدوق<sup>۱</sup> شیخ مفید<sup>۲</sup> و علامه حلی<sup>۳</sup> را نام برد. نکته شایان ذکر درباره این مسأله، آن است که شیخ گاه پس از طرح آرای شارحان، دیدگاه‌های آن‌ها را نقد کرده است.

شیخ بهایی در شرح خطبه شعبانیه حضرت رسول اکرم صلوات الله علیه و آله در مبحثی به نام «چگونگی وزن اعمال»، این اشکال مطرح شده از سوی برخی فلاسفه را به تفصیل نقد کرده

۱. نک: شیخ بهایی، ۱۴۱۴: ۱۵۰-۱۴۹.

۲. نک: شیخ بهایی، ۱۴۱۴: ۴۳۱.

۳. نک: شیخ بهایی، ۱۴۱۴: ۱۴۶.

است که اعمال، عرض‌اند و وزن کردن اعراض از نظر عقلی، محال است.<sup>۱</sup>

#### ۲-۱-۸- پرسش راوی

بسیاری از احادیث معصومان علیهم‌السلام برای پاسخ دادن به پرسش راویان بیان شده است؛ بنابراین، از جمله قرآینی که باید حدیث را با توجه به آن فهمید، توجه به پرسش راوی است. شیخ بهایی در آثار خود، به این اصل توجه کرده و با بهره‌گیری از چنین قرینه‌ای، احادیث را شرح داده است. پس از نقل روایتی از امام صادق علیه‌السلام مبنی بر اینکه زمان بین طلوع فجر و برآمدن خورشید، از ساعت‌های روز و شب محسوب نمی‌شود، اشکالی را بدین شرح مطرح کرده است که علمای امامیه اجماع دارند که نماز صبح از نمازهای مربوط به روز است. وی برای حل این اشکال، از همین قرینه بهره گرفته و گفته است: ممکن است اشکال را چنین پاسخ دهیم که حضرت، این مطلب را در پاسخ به یکی از پرسش‌های متعدد یکی از روحانیان و دانشمندان مسیحی فرمود و ممکن است مطابق با عرف و اعتقاد وی پاسخ داده‌اند.

#### ۲-۱-۹- بهره‌گیری از رهنمودهای عقلی

در فهم احادیث معصومان علیهم‌السلام که تبلور رهنمودهای حجت‌ظاهری خداوند هستند، از حجت باطنی باید کمک گرفت؛ از این روی، شیخ بهایی درباره حرمت غضب، از میان ادله چهارگانه فقهی، نخست به عقل استناد کرده و سپس ادله دیگر را ذکر کرده است.<sup>۲</sup>

وی از امام باقر علیه‌السلام نقل کرده است که فرموده‌اند: «کلما میزتموه باو هامکم فی ادق معاینه فهو مخلوق مصنوع مثلکم مردود إلیکم»؛ سپس در شرح این حدیث شریف، استدلال عقلی محقق دوانی را در باره محال بودن معرفت ذات حق تعالی و خارج بودن آن از قدرت فهم بشر نقل کرده است.<sup>۳</sup>

#### ۲-۱-۱۰- جمع احادیث متعارض

شیخ بهایی نیز از این قاعده مشهور پیروی کرده و در بیشتر موارد، در جمع میان دو حدیث متعارض کوشیده است؛ مثلاً در فهم روایت‌های مربوط به تیمم- که در برخی از آن‌ها، یک ضربه دو دست و در برخی، دو ضربه بیان شده- گفته است: قول سید مرتضی مبنی بر اکتفا به یک

۱. نک: شیخ بهایی، ۱۳۶۸: ۲۱۴-۲۱۵.

۲. نک: شیخ بهایی، ۱۴۱۴: ۲۳۴.

۳. نک: شیخ بهایی، ۱۳۶۸: ۶۰-۶۱.

ضربه و استحباب ضربه دوم، بعید نیست. محقق حلی نیز این قول را به نیکی شمرده است و این چنین، جمع مابین اخبار متعارض حاصل می‌شود و چه بسا چنین جمعی به واقع نزدیک‌تر از جمع متاخران باشد که قائل به تفصیل شده‌اند (یک ضربه برای تیمم بدل از وضو و دو ضربه برای تیمم بدل از غسل).<sup>۱</sup> وی جمع‌های غیر عرفی و تکلف آمیز را مردود دانسته است<sup>۲</sup> شیخ بهایی در صورت ممکن نبودن جمع عرفی بین مفاد دو حدیث متعارض، کیفیت حل تعارض میان آن دو را ترجیح یکی بر دیگری دانسته و در قالب عبارتهایی فشرده، برخی از مهم‌ترین مرجحات سندی و متنی را این گونه بیان کرده است:

الف) مرجحات سندی شامل علو سند (کم بودن واسطه‌های نسبت به احادیث مشابه)؛ کثرت راویان و تعدد طرق؛ وثاقت؛ فقاقت؛ ذکاوت؛ ورع؛ ضبط و دقت؛ کثرت رجال شناسان در شهادت به عدالت راوی؛ امین‌تر بودن و آگاه‌تر بودن به احوال رجال؛ نقل مستقیم و رودررو؛ نزدیکی به زمان معصوم علیه‌السلام؛ قاطع بودن در نقل؛ حافظه؛ اختلاط با دانشمندان؛ فرا گرفتن حدیث در سن بلوغ؛ مشتبه نشدن اسم راوی با راوی ضعیف.

ب) مرجحات متنی شامل ترجیح مسند بر مرسل؛ حدیثی که بر شیخ حدیث قرائت شده بر حدیثی که تنها از وی شنیده شده؛ حدیثی که از اصل شنیده شده بر حدیثی که از مأخذی مشتبه شنیده شده؛ حدیثی که از اصلی قابل اعتماد نقل شده بر روایتی که چنین مأخذی ندارد؛ متنی که بر معنای حقیقی دلالت می‌کند بر متنی که بر مجاز دلالت می‌کند.<sup>۳</sup>

#### ۲-۱-۱۱- حمل بر تقیه

از دیگر راه‌های ترجیح در باب تعارض، عرضه متن دو حدیث بر فتوای فقیهان عامه است. حدیث موافق با فتوای فقیهان، حدیثی است که جهت صدور آن، تقیه بوده است و باید کنار گذاشته شود. مراد از جهت صدور، آن است که حدیث‌پژوه با توجه به قراین مختلف دریابد که آیا معصوم علیه‌السلام حکم واقعی را بیان می‌کند و یا به سبب تقیه یا محذور دیگر، حکم ظاهری را بیان می‌کند. شیخ گاه هنگام مواجهه با احادیث متعارض، در صورت ممکن نبودن جمع عرفی، از این روش بهره برده است. وی حدیثی از امام صادق علیه‌السلام را که فرموده‌اند:

۱. نک: بی تا، حبل المتین: ۸۶.

۲. نک: بی تا، العروة الوثقی: ۳۱-۳۲.

۳. نک: شیخ بهایی، ۱۴۲۳: ۱۶۹-۱۷۱.

«تَوْضُحًا ثَلَاثًا ثَلَاثًا»<sup>۱</sup> و در آن، به سه بار شستن صورت و دست‌ها امر کرده‌اند صریح در تقیه دانسته است.<sup>۲</sup> جمله‌هایی همچون «والاحادیث الواردة فی خلاف ذلک محمولة علی التقیه» (بی‌تا، جبل المتین: ۳۱) و «فلا مناص علی الحمل علی التقیه» (بی‌تا، جبل المتین: ۱۰۳)، حاکی از استفاده شیخ از این روش در فهم احادیث متعارض است.

### ۲-۳- نقد حدیث در رویکرد شیخ حر عاملی

شیخ حرّ عاملی نیز ذیل برخی روایت‌های متعارض، بیشتر به نقل از دیگر علما به ویژه شیخ طوسی، سند یا متن خبر را بررسی کرده و در صورت ملاحظه ضعف، بدان اشاره کرده است؛ اما هیچ‌گاه ضعف سند یا متن را معیار قضاوت نهایی خود قرار نداده و روایت را کنار نگذاشته است. تلاش شیخ در توجیه روایت‌های متعارض و اثبات بقای اعتبار و حجیت طرفین متعارض، در وسائل الشیعه مشهود است. شیخ برای دستیابی به مقصود خود، از روش‌هایی مختلف سود جست و برای حل تعارض کوشیده است تمام احتمال‌های دارای امکان وقوع را مطرح و از رد و کنار گذاشتن روایت‌ها خودداری کند. رویکرد شیخ حر عاملی را می‌توان در دو مرحله سند و متن خلاصه نمود:

#### ۲-۳-۱- نقد سند

نقد سند یا نقد خارجی به معنای بررسی کیفیت سند است؛ خواه از جهت اتصال و انقطاع باشد و خواه از جهت وثاقت یا عدم وثاقت راویان آن<sup>۳</sup> در نقد سندی، اسناد قول به معصوم علیه‌السلام بررسی می‌شود؛ بدین شرح که آیا با توجه به کیفیت سند و راویان آن می‌توان به صحت سند و صدور آن از معصوم علیه‌السلام مطمئن شد یا<sup>۴</sup> رویکرد شیخ حر را در سند شناسی و نقد سندی می‌توان در چند مورد بدین شرح خلاصه کرد:

#### ۲-۳-۱-۱- بررسی حال راویان

پیشوایان حدیث بر این موضوع اتفاق نظر دارند که راوی حدیث، برای اینکه به حدیث او استناد شود، باید از دو ویژگی عدالت و ضبط برخوردار باشد<sup>۵</sup> چنانچه این دو صفت در راوی جمع گردد،

۱. نک: کشی، ۱۴۰۹: ۳۱۲.

۲. نک: بی‌تا، جبل المتین: ۲۵.

۳. نک: الأدلی، ۱۴۰۳: ۹.

۴. نک: الدّمینی، ۱۴۰۴: ۴۹-۵۰.

۵. نک: عتر، ۱۴۱۸: ۷۸-۷۹.

ثقه بر او اطلاق می‌شود و می‌توان به گفته وی اطمینان کرد.<sup>۱</sup> شیخ حر عاملی معتقد است وثاقت راوی به گونه‌ای که احتمال دروغ گفتنش نرود، قرینه‌ای آشکار است بر صحت خبر، به معنای ثبوت صدور آن از معصوم علیه‌السلام.<sup>۲</sup> اما نکته‌ای که باید توجه کرد آن است که وی در بررسی حال راویان و تبیین وثاقت یا عدم وثاقت آن‌ها در ذیل روایت‌ها، جز در مواردی معدود، سخنی نگفته است و به نظر می‌رسد اشاره مختصر شیخ حر عاملی در اثر ارزشمند خود، وسائل الشیعه، به دلیل جلوگیری از حجیم شدن کتاب بوده است؛ چراکه وی پس از اتمام گردآوری روایت‌ها، در خاتمه کتاب خود فایده دوازدهم را با عنوان «احوال الرجال» تألیف می‌نماید.

### ۲-۳-۱-۲- توجه به اتصال و انقطاع سند

بررسی اتصال و انقطاع سند زمانی صورت می‌گیرد که هیچ حلقه‌ای از حلقه‌های آن، میان راوی و کسی که حدیث منسوب به اوست، نیفتاده باشد. علمای حدیث برای روشن کردن اتصال و انقطاع سند، رجال آن را از حیث ولادت و وفات، محل رشد و پرورش، مسافرت در طلب حدیث، راویان او و... بررسی می‌کنند.<sup>۳</sup> شیخ توجه ویژه‌ای به اتصال و انقطاع سند داشته و بارزترین آن اشاره وی به اسناد مرسل است. وی بدنبال نقل روایت یا سند متصل، در صورتی که همان روایت در کتاب دیگر، به صورت مرسل نقل شده باشد آن را ذکر می‌کند. سخن او در ذیل برخی روایت‌ها، از توجه به اتصال و انقطاع سند حکایت می‌کند.

### ۲-۳-۱-۳- توجه به روایت‌های شاذ

حدیث شاذ به حدیثی گفته می‌شود که به نقل ثقه، تفرّد داشته باشد؛ ولی مخالف با روایتی دیگر باشد که فردی موثق‌تر یا جمعی از ثقات، آن را نقل کنند.<sup>۴</sup> بر اساس دیدگاه‌های مختلف در مورد حدیث شاذ، شیخ حرّ نیز به رد نکردن روایت شاذ معتقد بوده است. با مراجعه به وسائل الشیعه می‌بینیم که شیخ حرّ حتی بعد از نقل بسیاری از این تضعیف‌ها ذیل اخبار متعارض، باز روایت‌ها را کنار نگذاشته و راه کارهای مختلف را برای رفع تعارض ذکر کرده است.

### ۲-۳-۲- نقد متن

نقد متن یا نقد داخلی، بررسی و ارزیابی کلمات و جملات حدیث است که به نقل از راویان،

۱. نک: الأدلّی، ۱۴۰۳: ۳۲؛ عتر، ۱۴۱۸: ۸۰.

۲. نک: الحرّ العاملی، ۱۴۱۳: ۲۴۳.

۳. نک: الأدلّی، ۱۴۰۳: ۱۴۵.

۴. نک: المامقانی، ۱/۱۴۱۱: ۲۵۲.

حاکی از سنت معصوم علیه‌السلام است. در این روش، جدای از نقل سند، برای اثبات صحت یا عدم صحت انتساب حدیث به معصوم علیه‌السلام، بررسی حجیت و عدم حجیت آن و نیز بررسی و کشف مفهوم واقعی حدیث و مراد معصوم علیه‌السلام از آن، متون و نصوص روایی نیز ارزیابی می‌شوند.<sup>۱</sup> علما برای نقد متن همانند نقد سند، معیارهایی را وضع کرده‌اند که شیخ حر عاملی در میان معیارهای متعدد ذکر شده از سوی علما برای نقد متن حدیث، معیار عرضه بر قرآن، سنت، شأن و جایگاه معصوم علیه‌السلام و عرضه بر اجماع را پذیرفته است.

#### ۲-۳-۲-۱- عرضه حدیث بر قرآن کریم

قرآن کریم به عنوان اولین منبع شناختی دین، به صورت متواتر برای ما نقل شده است؛ بنابراین، از لحاظ صدور و دلالت، قطعی است و در قبول احکام و مسائل تشریحی آن، اختلافی وجود ندارد؛ از این رو، قرآن کریم اولین مرجع در تشخیص صحت و سقم روایات به شمار می‌رود. این معیار را ابتدا پیامبر اکرم صلوات الله علیه و آله به مسلمانان آموزش دادند و در کلمات ائمه علیهم‌السلام نیز راهنمایی‌هایی درباره آن مشاهده می‌شود. شیخ حرّ از این قاعده استفاده نموده و برخی از روایات‌ها را در حوزه‌های مختلف، بر قرآن کریم عرضه کرده است.

#### ۲-۳-۲-۲- عرضه حدیث بر سنت

در روایات‌های معصومان علیهم‌السلام، بر معیار عرضه حدیث بر سنت تأکید شده است. در عموم روایاتی که بر عرضه روایات‌ها بر کتاب خدا امر شده، از سنت نیز در کنار کتاب یاد شده است.<sup>۲</sup> نکته مهم آن است که قطعی بودن صدور روایت از معصوم علیه‌السلام، مشخصه روایات‌های معیار است. شیخ حرّ از این قاعده استفاده نموده و از آن در اعتباربخشی روایات بهره جسته است. به عنوان مثال بر اساس بسیاری از روایات، شکسته خواندن نماز، برکسی واجب است که قصد طی هشت فرسخ (چهار فرسخ رفت و چهار فرسخ برگشت) داشته باشد. در این روایات، به هر چهار فرسخ، «برید» گفته شده است؛ درحالی که سلیمان بن حفص مروزی در روایتی از امام موسی کاظم علیه‌السلام، «برید» را شش مایل یا دو فرسخ دانسته است. شیخ حرّ ذیل این روایت می‌نویسد: «... تفسیر برید به شش مایل و دو فرسخ، مخالف با نصّ روایات بسیار دیگر است...» (الحرالعالمی، ۱/۱۴۱۳: ۴۵۷)

۱. نک: معماری، ۱۳۸۴: ۳۹.

۲. نک: الکلینی، ۱/۱۴۰۷: ۶۹-۷۱.

### ۲-۳-۳- عرضہ حدیث بر شأن و جایگاه معصوم علیہ السلام:

برخی روایت‌ها به سبب تعارض با شخصیت، شأن و جایگاه پیامبر و ائمه علیهم السلام نقد می‌شوند. زیباترین و دقیق‌ترین تصاویر از صفات معصومان علیهم السلام را می‌توان بر پایه تصویری ترسیم کرد که قرآن کریم از ایشان نشان می‌دهد. (نک: مریم/۴۱ و ۵۰ و ۵۴؛ نمل/۱۵ و...) شیخ حر عاملی به این قاعده چشم داشته است. به عنوان مثال شیخ حر عاملی به نقل از زید بن علی روایت کرده که امام علیہ السلام نماز خواند و «فاتحه الكتاب» را در رکعت اول فراموش کرد؛ سپس آن را در رکعت دوم قرائت کرد؛ این درحالی است که در دیگر روایت‌ها در این زمینه آمده است که در صورت فراموشی قرائت در رکعت اول، خواندن قضای آن در رکعت دوم واجب نیست؛ از این رو شیخ حر به منظور رفع این تعارض، روایت زید را نقد و بررسی می‌کند و می‌نویسد: «احتمال دارد که زید به خاطر فاصله زیاد از امام و پایین بودن صدای ایشان، فاتحه را نشنیده باشد؛ چرا که مقام عصمت از سهو و نسیان منزه است...» (الحرالعاملی، ۱۴۱۳/۶: ۹۲)

### ۲-۳-۴- عرضہ حدیث بر اجماع

علمای اهل سنت، اجماع را به عنوان دلیلی مستقل در کنار قرآن، سنت و عقل پذیرفته‌اند و آن را از مصادر تشیع می‌دانند؛ اما بیشتر علمای شیعه، اجماع را تنها در صورتی حجت می‌دانند که کاشف از قول معصوم علیہ السلام باشد.<sup>۱</sup> شیخ حر عاملی عرضہ حدیث بر اجماع را ملاک قرار داده و در کتاب وسائل الشیعه بیشتر از عرضہ بر قرآن کریم، سنت و شأن و جایگاه معصوم علیہ السلام کاربرد داشته است.

### ۳- تأثیر رویکرد حدیثی بر روش تفسیری و مبانی علمای برجسته

ارائه تفسیر صحیح از آیات قرآن کریم، مستلزم اعتقاد به مبانی صحیح تفسیر قرآن و کاربرد درست ابزار تفسیری متناسب با آن مبانی است. احادیث معصومان، در کنار دیگر مصادر تفسیر، از کارایی قابل توجهی برخوردار است. در وجهی از کارکرد حدیث در تفسیر، مفسر به تفاسیر روایی و جوامع حدیثی روی می‌آورد و از احادیث معتبری که در ذیل آیات وارد شده بهره می‌جوید. این گونه استفاده از حدیث در تفسیر قرآن را می‌توان کاربرد مستقیم حدیث در تفسیر دانست. برخی از مهم‌ترین کارکردهای حدیث در نقش منبع تفسیر قرآن را می‌توان این گونه برشمرد:

۱. نک: المظفر، ۱۴۱۰/۲: ۱۰۲.

۱- گزارش شأن نزول، ۲- بیان مصداق، ۳- بیان مراد، ۴- رفع تعارض ظاهری آیات، ۵- تقیید مطلق، ۶- تخصیص عام، ۷- تبیین مجمل، ۸- بیان تأویل و... اما در مورد اینکه اختلاف نظریات در کسب احادیث چه تاثیری در مبانی دینی علمای برجسته گذاشته است باید گفت برای مبانی گوناگون مرجعیت در تفسیر سه واژه عقل، اجماع و متن را می‌توان گزینش کرد و به ترتیب سید مرتضی، شیخ بهایی و شیخ حر عاملی را می‌توان نماینده هر یک از آنها معرفی کرد که نشان دهنده حدّ نهایی بهره‌مندی از این ساختارها و ابزار تفسیری است.

در مورد سید مرتضی باید گفت ایشان با مدّ نظر قرار دادن اعتقاد خود درباره جایگاه حدیث، به تبیین و تفسیر مراد آیات قرآن پرداخته است. سید مرتضی در تفسیر قرآن تنها بر اساس اخبار و روایات به تفسیر نمی‌پردازد؛ از این رو سید مرتضی با عناوینی چون فقیه، متکلم، ادیب، شاعر و... بین شیعه و عامه معروف است، اما در آثاری که در مورد اونوشته شده هیچگاه از او به عنوان مفسر یاد نشده است. می‌توان گفت مهمترین مبانی تفسیری که مورد توجه ایشان بوده است در دو مورد خلاصه می‌شود: ۱- جواز تفسیر به غیر روایت که شامل حجیت ظواهر آیات، حجیت عقل و استناد به اسالیب زبان عرب است. ۲- جواز تفسیر به روایت که شامل روایات معصومین علیهم‌السلام و روایات تفسیری صحابه و تابعان می‌شود. اما از جمله ابزار تفسیری که می‌توان گفت سید مرتضی مورد استناد قرار داده است، روایات تفسیری صحابه و تابعان است. از دیگر ابزار تفسیری که فراوان در نزد سید مرتضی کاربرد دارد، استناد به کلام عرب اعم از شعر، امثال، لغت و قواعد زبانی آن است. سید مرتضی به تفسیر تعداد محدودی از آیات قرآن پرداخته و یکی از رویکردهای مهم و بنیادینش در تفسیر که دارای انگیزه‌های کلامی زیادی است پاسخ به شبهات ملحدان و نیز مخالفان از جمله معتزله، مجرّه و مشبهه و دفاع از عقاید شیعه در اصول و فروع است.

اما در مورد شیخ بهایی باید گفت وی فقیهی سیاسی، عالمی روزآمد و آگاه به زمانه بوده است. ایشان به شیوه عقلی و اجتهادی، به تفسیر برخی از آیات قرآن کریم پرداخته است. بهره‌گیری از روش تفسیری قرآن به قرآن، استفاده از روایات و تقدیم قول معصومان علیهم‌السلام، بیان دقائق و ظرائف آیات قرآن، دقت فراوان در تبیین مباحث، ارائه تقسیمات مفید، از خصائل روش تفسیری شیخ بهایی است. چنانکه پیداست شیخ بهایی با استناد به اقوال مشهور حدیثی همراه شده است و به دو اصل اهتمام ورزیده است: ۱- تفسیر متعهدانه قرآن این نیست که فرد صرفاً آرای سلف صالح را نقل کند. ۲- تفسیر متعهدانه با دقت کافی در اقوال علما و قواعد و اصول فرق گوناگون حاصل می‌شود. این کار نوعی اجتهاد است و در نتیجه احتمالاً به تنوع اقوال می‌انجامد.

اما بررسی روشمند شیوه شیخ حر عاملی نشان می‌دهد که هدف اصلی او مقایسه متن قرآن کریم با جوامع معتبر حدیث نبوی است. توجه او به مقایسه این متن با فرق مدرسی کاملاً حداقلی است. مراجعی که او از آنها نقل قول می‌کند عالمان نامدار در مکاتب فکری تفسیر، فقه و کلام هستند. این گروه همان «پیشوایان حافظ ضابط» اند. مفهوم اسلامی وحی، چنانکه مشهور است، دو جنبه دارد: متن قرآن کریم (وحی متلو) و سخنان پیامبر (وحی غیر متلو). جنبه دوم تا چند قرن محدوده رسمی مشخصی نداشته است. فهم و برداشت شیخ حر عاملی مقایسه این دو منبع رسمی دین و قرار دادن این دو نوع وحی در کنار یکدیگر است. نگاهی بر سیره شیخ حر عاملی نشان دهنده آن است که در فهم ایشان دو منش وجود دارد: ۱- مقایسه متن قرآن کریم با حدیث نبوی؛ ۲- تقلیل پیچیدگی‌ها و جزئیات و اختلافات برای دست‌یابی به عقایدی نسبتاً بسیط. محتوای این احادیث این است که محکم و متشابه، ناسخ و منسوخ، عام و خاص و... در قرآن را جز ائمه علیهم‌السلام کسی نمی‌داند. در نتیجه باید گفت شیخ حر عاملی نسبت به سید مرتضی و شیخ بهایی به حجیت مطلق احادیث در تفسیر پای‌بندی بیشتری داشته است.

### نتیجه گیری

این پژوهش در پی بررسی واکاوی اصول سیره عملی علمای برجسته در فهم احادیث و میزان تأثیر آن بر تفسیرهایشان در حوزه دین است. اطمینان از صدور احادیث در انتساب به معصومان علیهم‌السلام نکته مهمی است که توجه به آن از زمان صدور حدیث شکل گرفته و در دوران شکوفایی حدیث نمود ویژه‌ای یافته است. روش اصحاب در دریافت آموزه‌های دینی، مراجعه به اهل بیت علیهم‌السلام یا اصحاب مورد تأیید معصومان علیهم‌السلام بوده تا نسبت به صدور آن اطمینان یابند. محدثان شیعه از نقل روایاتی که اطمینان به صدور آنها نداشتند خودداری می‌کردند. عرضه روایات بر ائمه علیهم‌السلام مهم‌ترین روش در رسیدن به اطمینان از صدور حدیث بوده است. بنابراین اطمینان به صدور حدیث، سرلوحه روش اصحاب در اخذ معارف قرار گرفته و اصحاب، هیچ حدیثی را بدون احراز اطمینان، نقل نمی‌کردند.

اما در واکاوی اصول سیره عملی علمای برجسته در فهم احادیث باید گفت در نظر بیشتر متفکران امامیه، عقل و نقل دو منبع دریافت معارف و پی بردن به حقایق دینی و احکام شرعی‌اند اما اینکه در مقام تعامل و احیاناً تعارض عقل و نقل، کدامیک بر دیگری مقدم است، همواره بحث‌ها و اختلاف‌هایی وجود داشته است.

آنگونه که از بررسی آثار سید مرتضی بدست می‌آید می‌توان گفت: ازدیدگاه وی رابطه عقل و نقل رابطه‌ای دوسویه است به طوری که با استفاده از ادله عقلی به دلایل نقلی قطعی دست پیدا کرده و از سوی دیگر در مواردی که از حوزه ورود عقل خارج است، به حکم عقل از دلایل نقلی قاطع بهره برده است. به اعتقاد سید مرتضی راه علم به شرعیات، اقوالی است که دلایل قطعی برصحت آن گواهی دهد و بنا به حکم عقل هیچ وجه قبیحی در آن راه نداشته باشد. اگر چه جنبه عقل‌گرایی وی پررنگ‌تر جلوه می‌کند، اما سعی در جانب اعتدال داشته است. برخی از ضوابط عقلی سید مرتضی اصولی همانند اصل حسن و قبح، اصل اختیار و نفی جبر، و اصل مباح بودن هر منفعت بی ضرر است.

عالم دیگر یعنی شیخ بهایی با اینکه در دوره‌های می‌زیسته که مشرب اخباری‌گری رواج داشته است، برخلاف اخباریان، با وضع قانون‌های خاص سعی در جمع و نظم‌بخشی به مقوله عقل و نقل نموده و در نقد حدیث، به خوبی از اقوال رسیده و آموزه‌های علوم رجال، درایه و فقه الحدیث در نقد اسنادی و متنی احادیث استفاده کرده است. مهم‌ترین اصول و قواعدی که شیخ بهایی در فهم حدیث از آنها استفاده کرده، عبارت از التزام به ظاهر متن، فهم عرفی، سیاق، فهم مشهور از آیات مرتبط، روایت‌های مشابه، احادیث عامه، پرسش‌های روای و رهنمودهای عقلی بوده است.

اما در مورد شیخ حر عاملی باید گفت سخنان ایشان که گویای توجه وی به مباحث حدیثی است، بیشتر ذیل اخبار متعارض، قابل مشاهده است. وی در مواردی محدود، به سند روایت‌ها توجه کرده و گاه به بررسی دقیق متن حدیث و سنجش مضمون آن با قرآن، سنت، شأن و جایگاه معصوم علیه‌السلام و حتی اجماع پرداخته است و در صورت ضعف روایتی بر اساس هر کدام از این معیارها، آن را ذکر کرده است؛ اما تقریباً در هیچ موردی، روایتی را به سبب ضعف سند یا مخالفت با مبانی نقد متن، کنار نگذاشته است.

محدودیت‌های تفسیر دقیقاً همان محدودیت‌های رشته‌های مدرسی است. یکی از محدودیت‌های همه مفسران بزرگ در این سنت آن بوده است که تأمل صرف درباره متن قرآن (بدون استناد به مراجع) را نکوهش کنند. سید مرتضی در برابر این محدودیت‌ها ایستاده و به همین دلیل با انتقادات زیادی مواجه شده است. اما وضوح و تسلط فکری که مشخصه دیدگاه کلامی ایشان است، آن را از رویکردی صرفاً شخصی متمایز می‌کند.

### کتاب‌نامه

۱. ابن الصّلاح، عثمان بن عبدالرحمان (۱۴۰۴ ق)، *علوم الحدیث*، تحقیق: نور الدین عتر، دمشق: دارالفکر.
۲. الأدلی، صلاح الدین بن احمد (۱۴۰۳ ق)، *منهج التّقد عند علماء الحدیث التّیوی*، بیروت: دارالآفاق الجدیده.
۳. پهلوان، منصور (۱۳۸۷)، «جایگاه عقل و دین در قرآن و حدیث»، *عقل و دین*، شماره اول، صص ۷۵-۸۸.
۴. پهلوان، منصور (۱۳۹۰)، *خورشید بغداد: مروری بر زندگی و آثار سیدمرتضی*، مجموعه‌ی اندیشمندان ایران و اسلام، تهران: انتشارات همشهری.
۵. حسینی بجدنی، سید حسین (۱۳۹۴)، «واکاوی سیره عملی امام رضا علیه‌السلام در پویایی و شکوفایی سبک رضوی و پیرایه آن از افکار انحرافی»، *همایش ملی سیره رضوی و سبک زندگی قرآنی*، شماره ۲، صص ۲۲-۴۶.
۶. خدایاری، علینقی (۱۳۸۹)، *روش‌شناسی نقد و فهم حدیث در مکتب متکلمان امامی بغداد (رساله دکتری)*، تهران: دانشگاه امام صادق علیه‌السلام.
۷. الدّیمنی، مسفر عزم الله (۱۴۰۴ ق)، *مقایس نقد متون السنّه*، ریاض: بی نا.
۸. سیدمرتضی، ابوالقاسم علی بن الحسین (۱۳۶۳)، *الذریعه الی مسائل الشریعه*، مصحح: ابوالقاسم گرجی، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
۹. سیدمرتضی، ابوالقاسم علی بن الحسین (۱۳۸۳)، *جوابات المسائل المیافارقیات*، قم: مجمع ذخائر اسلامی.
۱۰. سیدمرتضی، ابوالقاسم علی بن الحسین (۱۴۰۵ ق)، *مجموعه رسائل*، مقدمه و اشراف: سیداحمد حسینی، اعداد: سید مهدی رجایی، قم: دارالقرآن الکریم.
۱۱. سیدمرتضی، ابوالقاسم علی بن الحسین (۱۴۱۵ ق)، *الاتصار*، قم: دفترانتشارات اسلامی.
۱۲. شیخ الحرّ العاملی، محمدبن حسن (۱۴۱۳ ق)، *تفصیل وسائل الشیعه الی تحصیل مسائل الشریعه*، بیروت: مؤسسه آل‌البیت لإحیاء التّراث.
۱۳. شیخ بهایی، بهاء‌الدین محمد (۱۳۶۸ ش)، *اربعین*، ترجمه محمد خاتون‌آبادی، به کوشش حسین استادولی، بی‌جا: حکمت.
۱۴. شیخ بهایی، بهاء‌الدین محمد (۱۴۱۴ ق)، *مشرق‌الشمسین و اکسیر السعادتین*، به کوشش سیدمهدی رجایی، مشهد: آستان قدس رضوی.
۱۵. شیخ بهایی، بهاء‌الدین محمد (۱۴۲۳ ق)، *زبدہ‌لاصول*، به کوشش فارس حسون کریم، قم: مرصاد.
۱۶. شیخ بهایی، بهاء‌الدین محمد (بی تا)، *حبل‌المتین*، چاپ سنگی، قم: مکتبه بصیرتی.

واکاوای اصول سیره عملی علمای برجسته در فهم احادیث... / حسینی، حسین آبادی و کریمی طلب ۱۲۱

۱۷. شیخ بهایی، بهاء‌الدین محمد (بی تا)، *مفتاح‌الفلاح*، بیروت: مؤسسه اعلمی للمطبوعات.
۱۸. شیخ بهایی، بهاء‌الدین محمد (بی تا)، *العروه‌الوثقی*، نسخه خطی، مشهد: کنگره بزرگ داشت شیخ بهایی.
۱۹. الصالح، صبحی (۱۹۵۹ م)، *علوم‌الحديث ومصطلحه*، بیروت: دارالعلم للملایین.
۲۰. صدر، محمدباقر (۱۹۷۸ م)، *دروس فی علم‌الاصول*، بیروت: دارالکتب اللبنانی.
۲۱. صدوق، محمد بن علی بن بابویه (۱۳۹۸ ق)، *توحید*، مصحح: هاشم حسینی، قم: انتشارات جامعه مدرسین قم.
۲۲. صفار، محمد بن الحسن (۱۴۰۴ هـ)، *بصائر الدرجات*، تحقیق: محسن کوچه‌باغی، قم: کتابخانه آیت‌الله‌العظمی مرعشی نجفی.
۲۳. طوسی، محمد بن الحسن (۱۴۰۴ هـ)، *اختیار معرفة الرجال*، تحقیق: سیدمهدی رجائی، قم: مؤسسه آل‌البتیت.
۲۴. عتر، نورالدین (۱۴۱۸ ق)، *منهج‌التقدفی علوم‌الحديث*، دمشق: دارالفکر.
۲۵. عسکری، سیدمرتضی (۱۳۶۸)، *نقش‌نامه در احیاء دین*، تحقیق: محمدعلی جاودان، تهران: بنیاد بعثت: واحد تحقیقات اسلامی.
۲۶. الکلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۰۷ ق)، *الکافی*، تحقیق: علی اکبر غفاری، تهران: دارالکتب‌الاسلامیه.
۲۷. کشی، محمد بن عمر (۱۴۰۹ ق)، *رجال‌الکشی‌الختیار معرفة الرجال*، مشهد: مؤسسه نشر دانشگاه مشهد.
۲۸. المامقانی، عبدالله (۱۴۱۱ ق)، *مقباس‌الهدایه فی علم‌الدرايه*، تحقیق: محمدرضا المامقانی، قم: مؤسسه آل‌البتیت لإحیاء التراث.
۲۹. مجلسی، محمدباقر (۱۴۰۴ هـ)، *بحار‌الانوار‌الجامعة لدرراخياراته عليهم‌السلام‌الأطهار*، بیروت: مؤسسه الوفاء.
۳۰. مجلسی، محمدباقر بن محمد تقی (۱۳۹۶ ق)، *زندگانی حضرت سجاد و امام محمد باقر*، تهران: اسلامیه.
۳۱. المظفر، محمدرضا (۱۴۱۰ ق)، *اصول‌الفقه*، بیروت: مؤسسه الأعلمی للمطبوعات.

and jurisprudence in hadith critique and textual hadiths. Therefore, it should be said that various meanings of authority in interpretation, in which the three words consensus, reason and text have been selected to indicate them, Sheikh Baha'i, Seyyed Morteza and Sheikh Har Ameli, respectively, can be considered as representatives of each of them, which shows The ultimate benefit is these structures. This article, with a descriptive analytical approach, analyzes the practical life of prominent scholars in the understanding of hadiths and it has an impact on their interpretations of religion.

**Keywords:** Hadith; Ulema; Sheikh Har'ameli; Seyyed Morteza; Sheikh Baha'i.